

مقیاس شرعی سفر مکانی یا زمانی؟

○ سید کاظم حائری

چکیده

واحد مکانی «هشت فرسخ» یا واحد زمانی «طول یک روز» کدام یک مقیاس شرعی سفر است؟ نویسنده با بررسی سه دسته از روایات در این زمینه ابتدا به بیان هشت روایتی می پردازد که مقدار فاصله مکانی از وطن را ملاک قرار می دهند و آن را دو برید، معادل هشت فرسخ یا بیست و چهار میل نشان می دهد. در گروه دوم، روایاتی را می آورد که دال بر مقیاس زمانی برای طول سفر هستند. گروه سوم، روایاتی است که طول مسیر و طول زمان را همزمان مقیاس قرار داده اند. نویسنده در نهایت، جمع بین روایات را مد نظر قرار داده و بر این باور است که مقدار مکانی هشت فرسخ، مقیاس واقعی طول سفر است و چون در گذشته تعیین فرسخ با علامت میل، رایج نبوده، از این رو در روایات از مدت زمان سیر به عنوان اماره ای برای اندازه گیری مسافت استفاده شده است.

کلید واژگان: سفر؛ تقصیر نماز؛ افطار روزه؛ برید؛ فرسخ؛ میل؛ روز.

آیا مسافت شرعی در سفر از نظر مقدار طولی و مکانی، همان مسافت شناخته شده در دوران نصوص است یا با توجه به تفاوت وسایل نقلیه سفر در زمان های مختلف، مقدار

این مسافت نیز متفاوت می شود؟

گفته می شود همه روایاتی که در تعیین مسافت وارد شده است، مقدار مسافت را با واحد طولی، مانند هشت فرسخ یا بیست و چهار میل، تعیین نکرده است تا بگوییم این مقدار با تغییر زمان یا تغییر وسایل نقلیه، تغییر می کند، بلکه روایات مزبور با تعبیرهای مختلفی وارد شده است که می توان آن را در سه دسته خلاصه کرد:

دسته اول: تعیین مسافت با واحد طولی یا به عبارتی با مقدار فاصله مکانی از وطن، مانند:

۱. صحیحہ عبد اللہ بن یحیی کاهلی: *أنه سمع الصادق (ع) يقول في التقصير في الصلاة: برید فی برید اربعة و عشرون ميلاً؛*^۱
از امام صادق (ع) شنیده شد که در باره کوتاه شدن نماز فرمود: یک برید در یک برید، یعنی بیست و چهار میل.

این روایت در نقل شیخ^۲ چنین است، اما در نقل صدوق این اضافه را دارد:

ثم قال: كان أبي (ع) يقول: إن التقصير لم يوضع على البهلة السفواء والدابة الناجية وإنما وضع على سير القطار^۳؛
پدرم فرمود: در کوتاه شدن نماز، قاطر تندرو یا حیوان سریع السیر ملاک نیست، بلکه ملاک حرکت قاطر شتران است.

در سند این حدیث شخص ضعیفی وجود ندارد تا از عمل به حدیث بازمانیم، مگر عبد الله کاهلی که برای اعتماد به وی، نقل یزنطی از او کفایت می کند. به علاوه آنکه

نجاشی گفته است: «عبد الله چهره ای سرشناس نزد ابی الحسن (ع) بود»^۴.

۲. روایت فضل بن شاذان از امام رضا (ع) که در نامه ای به مأمون فرمود:

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۵۲، باب ۱ از ابواب صلاة المسافر، ح ۳.

۲. استبصار، ج ۱، ص ۲۲۳، حدیث ۲۷۸۷.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۳۶، ح ۱۲۶۸.

۴. رجال النجاشی، ص ۲۲۱.

والتقصير في ثمانية فراسخ و مازاد، و إذا قصرت أفطرت؛^٥

نماز در هشت فرسخ و بیش از آن کوتاه می شود و زمانی که نماز کوتاه باشد روزه نیز افطار می شود.

اشکال سند در این حدیث همان اشکالی است که در اسانید صدوق به فضل بن شاذان وجود دارد.

۳. روایت محمد بن مسلم از امام باقر(ع) از پدرشان از پیامبر(ص) که فرمود:

التقصير يجب في بریدین؛^٦

نماز را در دو برید باید کوتاه خواند.

در سند این حدیث، علی بن محمد بن قتیبه است؛ چون شیخ حرّ عاملی، این حدیث را از رجال کشی از علی بن محمد بن قتیبه از فضل بن شاذان از پدرش از تعدادی از یاران ما از محمد بن حکیم و از دیگران از محمد بن مسلم، روایت کرده است.

۴. روایت عیص بن القاسم از ابی عبداللّه(ع) که در باره کوتاه شدن نماز فرمود:

حدّه أربعة و عشرون ميلاً؛^٧

حدّ کوتاه شدن نماز، بیست و چهار میل است.

اشکال سندی در این حدیث، اشکال سند شیخ تا علی بن الحسن بن فضال است؛ چون وسائل الشیعه این حدیث را از شیخ نقل کرده است و شیخ آن را به علی بن الحسن بن فضال اسناد داده است. ولی آنچه در تهذیب^٨ وجود دارد، حسن بن علی بن فضال است نه علی بن الحسن بن فضال و طبق کتاب «الفهرست»^٩ سند شیخ به حسن بن علی بن فضال صحیح است. اگر چه گمان می رود آنچه در وسائل الشیعه آمده است صحیح باشد؛ زیرا

۵. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۵۳، باب ۱ از ابواب صلاة المسافر، ح ۶.

۶. همان، ص ۴۵۵، ح ۱۷.

۷. همان، ص ۴۵۴ و ۴۵۵، ح ۱۴.

۸. تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۲۲۱، ح ۲۲، چاپ آخوندی.

۹. الفهرست، ص ۹۷-۹۸، چاپ جامعه مدرسین.

همین روایت در کتاب «استبصار»^{۱۰} با این عنوان آمده است: «احمد بن عبدون از علی بن محمد بن الزبیر از علی بن الحسن بن فضال ... به من خبر داده است.» و شیخ در مشایخ تهذیبش سندی به حسن بن علی بن فضال ندارد ولی به علی بن الحسن بن فضال سند دارد.
۵. صحیحہ معاویہ بن وہب:

قال: قلت لابی عبداللہ(ع): ادنی ما یقصر فیہ المسافر فی الصلاة؟ قال: برید ذاهباً و برید جائیاً؛^{۱۱}

به ابی عبداللہ(ع) عرض کردم کمترین حدی که مسافر باید نمازش را کوتاه بخواند چیست؟ فرمود: یک برید برود و برگردد.

۶. صحیحہ زید شحام:

قال: سمعت ابا عبداللہ یقول: یقصر الرجل الصلاة فی مسیرة اثنی عشر میلاً؛^{۱۲}
از ابا عبداللہ(ع) شنیدم که فرمود: مسافر باید نمازش را در مسیر دوازده میلی کوتاه بخواند.

۷. صحیحہ زراره از ابی جعفر(ع) که فرمود:

التقصیر فی برید و البرید أربعة فراسخ؛^{۱۳}

نماز در یک برید، کوتاه خوانده می شود و برید چهار فرسخ است.

۸. صحیحہ زراره:

قال: سألت ابا عبداللہ(ع) عن التقصیر، فقال: برید ذاهب و برید جائی؛^{۱۴}

از ابا عبداللہ(ع) درباره کوتاه شدن نماز پرسیدم، فرمود: در یک برید رفت و یک برید برگشت.

روایات دیگری مانند آن هم وجود دارد.

۱۰. استبصار، ج ۱، ص ۲۲۳، ح ۳۷۸۸، چاپ آخوندی.

۱۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۵۶، باب ۲ از ابواب صلاة المسافر، ح ۲.

۱۲. همان، ح ۳.

۱۳. همان، ح ۱.

۱۴. همان، ص ۴۶۱، ح ۱۴.

دسته دوم: با واحد زمانی تعیین مسافت کرده است؛ مانند:

۱. روایت سعیدبن یسار با سندی که در سلسله آن عمرو بن حفص یا عمر بن حفص است:

قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن الرجل يشيع أخاه في شهر رمضان فيبلغ مسيرة يوم

أومع رجل من إخوانه أفطر أو يصوم؟ قال (ع): يفطر؛^{۱۵}

از امام صادق (ع) درباره مردی که در ماه رمضان برای مشایعت برادرش بیرون

می رود و به مسیری یک روزه می رسد و یا به همراه شخصی از برادرانش بیرون

می رود، پرسیدم که آیا افطار کند یا روزه بگیرد؟ فرمود: «افطار کند.»

۲. موقوفه زراره از ابی جعفر (ع):

قال: قلت: الرجل يشيع أخاه في شهر رمضان اليوم واليومين؟ قال: يفطرو

يقضي ...^{۱۶}

گفتم: مردی در ماه رمضان برای مشایعت برادرش یک روز یا دو روز به راه

می افتد؟ فرمود: روزه اش را افطار می کند و قضای آن را به جا می آورد.

دلالت دو حدیث مزبور بر واحد زمانی، دشوار است.

۳. صحیحہ علی بن یقطین:

قال: سألت أبا الحسن الأول (ع) عن الرجل يخرج في سفره^{۱۷}، قال (ع): يجب

عليه التقصير في مسيرة يوم^{۱۸} وإن كان يدور في عمله؛^{۱۹}

از امام کاظم (ع) درباره مردی که به سفر می رود، پرسیدم. فرمود: براه واجب

است که در مسیر یک روز، نماز را کوتاه بخواند، اگر چه این کار را تکرار کند.

۱۵. همان، ص ۴۸۳-۴۸۴، باب ۱۰ از ابواب صلاة المسافرين، ح ۷.

۱۶. همان، ص ۴۸۴، ح ۸.

۱۷. در نسخه وسائل الشیعه چنین است: يخرج في سفره في مسيرة يوم؛ برای سفر در مسیر یک روز خارج می شود.

۱۸. در نسخه تهذیب (۳: ۲۰۹، ح ۵۰۳): «إذا كان مسيرة يوم؛ اگر در مسیر یک روز باشد» آمده است.

۱۹. در نسخه وسائل، ح ۸، ص ۴۵۵، باب ۱ از ابواب صلاة المسافرين، ح ۱۶، چاپ آل البیت (ع) این

عبارت اضافه شد: «في مسيرة يوم؛ در مسیر یک روز».

اشکال این روایت آن است که با اخباری که می گوید اگر کسی سفر را تکرار کند باید نماز را کامل بخواند، معارض است. ۲۰

دسته سوم: روایاتی است که شامل هر دو واحد طولی و زمانی است، به نحوی که گویا این دو واحد یکی هستند؛ یعنی مضمون این دسته از روایات به گونه ای است که شامل هر دو واحد می شود؛ مانند:

۱. موثقه سماعة: قال: سألته عن المسافر في كم يقصر الصلاة؟ فقال: في مسيرة يوم و ذلك بریدان و هما ثمانية فراسخ؛^{۲۱}

در باره مسافر از او پرسیدم که در چه مسافتی نماز کوتاه می شود؟ فرمود: در مسیر یک روز که دو برید است و دو برید هشت فرسخ است.

۲. صحیححه ابی ایوب از ابی عبدالله (ع): قال سألته عن التقصير، قال: فقال: في بریدین أو بیاض يوم؛^{۲۲}

از امام (ع) در باره کوتاه شدن نماز پرسیدم، فرمود: در سفر به اندازه دو برید یا به اندازه روشنایی روز، نماز کوتاه است.

۳. صحیححه ابی بصیر: قال: قلت لابی عبدالله (ع): في كم يقصر الرجل؟ قال: في بیاض يوم أو بریدین؛^{۲۳}

به امام صادق (ع) عرض کردم: در چه مسافتی نماز مسافر کوتاه است؟ فرمود: در مسافتی که در روشنایی روز طی شود یا به اندازه دو برید باشد.

در زمان صدور این روایات، هیچ تعارض یا تضادی بین واحد مکانی و واحد زمانی در ذهن خطور نمی کرد؛ زیرا هر دو واحد بر سیر شتران منطبق بوده است و در آن زمان حمل و نقل با شتر معمول تر و متداول تر از دیگر حیوانات تندرو یا کندروتر بوده است و

۲۰. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۸۴-۴۸۸، ب ۱۱ از ابواب صلاة المسافر.

۲۱. همان، ص ۴۵۳، باب ۱ از ابواب صلاة المسافر، ح ۸.

۲۲. همان، ح ۷.

۲۳. همان، ح ۱۱.

متعارف سیر شتر پیمودن هشت فرسخ در روشنایی روز بود. بنابراین مهم نبوده که مقیاس اصلی در تعیین مسافت، واحد زمانی باشد یا واحد مسافتی یا این که هر دو به یک مقیاس اشاره داشته باشند.

ولی امروزه یکی از این دو مقیاس به حسب متعارف با مقیاس دیگر متفاوت است. اگر واحد طولی یا مکانی را معتبر بدانیم، این واحد همان است که از قبل بوده و معنی ندارد که این واحد روزی متبدل و دگرگون گردد. اما اگر واحد زمانی را معتبر بدانیم و واحد مکانی و مسافتی را عنوان مشیر به واحد زمانی بدانیم در این فرض، واحد زمانی امروز نسبت به گذشته، یقیناً دگرگون شده است. امروزه هیچ کس - مگر در موارد بسیار نادر - با شتر مسافرت نمی کند و در حالت عادی با وسایل نقلیه جدید، مانند اتومبیل یا هواپیما یا کشتی سفر می کنند.

گامی در جمع بین روایات

در زمان حاضر میان این روایات تعارض ایجاد شده است. گفته می شود: ممکن است در جمع میان این روایات به دسته چهارمی از روایات رجوع کنیم که ظهور در آن دارد که مقیاس اصلی، واحد زمانی است و تعیین مسافت به جهت مطابقت با واحد زمانی بوده است. به سخنی دیگر می توان گفت این دسته از روایات بر روایات دیگر حکومت دارد.

این دسته از روایات در چند حدیث مصداق دارد از قبیل:

۱. صحیحہ عبداللہ بن یحیی کاهلی که در دسته نخست طبق نقل شیخ طوسی^{۲۴} ذکر گردید و در آن آمده بود: «باطی مسافت یک برید دریک برید که بیست و چهار میل است، نماز کوتاه می شود». بر اساس این نقل، روایت جزء دسته اول محسوب می شود، اما در نقل صدوق در ذیل حدیث، این عبارت اضافه شده است که:

كان أبي - عليه السلام - يقول ان التقصير لم يوضع على البغلة السفواء والدابة

الناجية واما وضع على سير القطار؛^{۲۵}

۲۴. استبصار، ج ۱، ص ۲۲۳، ح ۲۷۸۷.

۲۵. من لايحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۳۶، ح ۱۲۶۸.

پدرم می فرمود: کوتاه شدن نماز بر اساس سیر قاطر تندرو یا حیوان سریع السیر وضع نشده است، بلکه بر اساس سیر قطار شتران وضع شده است.

اگر مقیاس اصلی واحد مسافتی و مقدار، فاصله مکانی بوده است تفاوتی ندارد که سفر - طبق تعبیر روایت - با قافله شتران باشد یا با قاطر تندرو یا با حیوان سریع السیر یا با هواپیماهای تیزرو در زمان ما. برید همان برید و میل همان میل و بیست و چهار فرسخ همان بیست و چهار فرسخ است بدون آن که وسیله سفر تأثیری در آن داشته باشد. پس این که امام می فرماید: «کوتاه شدن نماز بر اساس سیر قاطر تندرو یا حیوان سریع السیر وضع نشده است، بلکه بر اساس سیر قطار شتران وضع شده است» یعنی آن که مقیاس اصلی واحد زمانی یک روز است و چون قطار شتران در روشنایی روز بیست و چهار میل سیر می کردند گفته ایم مسافتی که نماز در آن کوتاه می شود بیست و چهار میل است. پس اگر امروزه واحد زمانی با واحد مکانی اختلاف پیدا کرده است باید از واحد زمانی پیروی کنیم.

۲. حدیث فضل بن شاذان که صدوق آن را با اسناد خود به فضل بن شاذان، روایت کرده است. این حدیث بدان صورت که در دسته نخست نقل کرده ایم جزء آن دسته محسوب می شود، ولی صدوق با اسناد خود به فضل بن شاذان این روایت را از امام رضا(ع) این گونه نقل کرده است: فضل می گوید: از امام رضا(ع) شنیده ام که فرمود:

أما وجب التقصير في ثمانية فراسخ لا أقل من ذلك ولا أكثر، لأن ثمانية فراسخ مسيرة يوم للعامّة والقوافل والانتقال فوجب التقصير في مسيرة يوم ولولم يجب في مسيرة يوم لما وجب في مسيرة ألف سنة و ذلك؛ لأن كل يوم يكون بعد هذا اليوم فإنما هو نظير هذا اليوم، فولم يجب في هذا اليوم لما يجب في نظيره؛ إذ كان نظيره مثله لافرق بينهما؛^{۲۶}

کوتاه خواندن نماز در هشت فرسخ واجب است نه کمتر از آن و نه بیشتر؛ زیرا هشت فرسخ برای مردم و قافله ها و باربرها مسیر یک روز است و در مسیر یک روزه، نماز کوتاه می شود. اگر در مسیر یک روزه نماز کوتاه نباشد در مسیر هزار

ساله هم کوتاه نخواهد بود؛ زیرا هر روز بعدی نیز مانند روز قبلی است. اگر در روز اول کوتاه نیست در نظیر آن هم کوتاه نخواهد بود؛ زیرا نظیر روز اول، همانند همان روز اول است و فرقی بین آنها نیست.

۳. در علل الشرایع^{۲۷} و عیون اخبار الرضا(ع)^{۲۸} این کلام اضافه گردیده است:

وقد یختلف المسیر فیسیر البقر إنما هو أربعة فراسخ و سیر الفرس عشرون فرسخاً و إنما جعل مسیر یوم ثمانية فراسخ؛ لأن ثمانية فراسخ هو سیر الجمال و القوافل و هو الغالب علی المسیر و هو اعظم السیر الذي یسیره الجمالون و المکارتون؛^{۲۹}

سرعت سیر مختلف است، سیر گاو چهار فرسخ و سیر اسب بیست فرسخ است. از این جهت مسیر یک روز هشت فرسخ تعیین شده که هشت فرسخ سیر شتر و کاروانهاست، اغلب چنین است و این بیشترین حد سیری است که شترداران می پیمایند.

آیا این عبارات بدان معنا نیست که مقیاس اصلی، واحد زمانی است و واحد طولی در پرتو واحد زمانی طرح شده است؟

۴. روایت محمد بن مسلم با سندی که در آن، سند شیخ به علی بن الحسن بن فضال است از امام باقر(ع):

قال: سألته عن التقصیر، قال: فی برید، قال: قلت: برید؟ قال: إنه إذا ذهب بریداً و رجع بریداً فقد شغل یومه؛^{۳۰}

از امام در باره کوتاه شدن نماز پرسیدم، فرمود: در یک برید شکسته است. عرض کردم: یک برید؟ فرمود: وقتی یک برید برود و یک برید برگردد تمام روز او را پُر می کند.

روایت یک برید را از آن جهت کافی می داند که باید از آن برگردد و چون برگردد او به مقدار

۲۷. علل الشرایع، ص ۲۶۶، ح ۹.

۲۸. عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۱۱۳، ح ۱.

۲۹. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۵۱، باب ۱ از ابواب صلاة المسافر، ح ۲.

۳۰. همان، ص ۴۵۹، باب ۲ از ابواب صلاة المسافر، ح ۹.

روشنایی روز مشغول سفر بوده است و این یعنی آن که مقیاس اصلی روشنایی روز است.

۵. مرسله صدوق در مقنع:

قال: سئل ابو عبدالله (ع) عن رجل أتى سوقاً يتسوق بها و هي من منزله على أربع فراسخ؛ فإن هو أتاها على الدابة أتاها في بعض يوم وإن ركب السفن لم يأتها في

يوم، قال: يتم الراكب الذي يرجع من يومه صوماً و يقصر صاحب السفن؛^{۳۱}

امام صادق (ع) در باره مردی که برای معامله به بازاری در چهار فرسخی منزلش

می رود سؤال شد که اگر با مرکب برود در کمتر از یک روز می رسد و اگر با

کشتی برود در یک روز هم نمی رسد، فرمود: اگر سواره برود و همان روز

برگردد روزه می گیرد ولی اگر با کشتی برود روزه اش را افطار می کند.

این تنها روایتی است که علاوه بر دلالت بر این که مقیاس اصلی، واحد زمانی است نه واحد

امتدادی، همچنین دلالت دارد بر این که اگر وسیله سفر متفاوت باشد، در محاسبه مسافت تاثیر

می گذارد و تنها مسیر شتران در احتساب مسافت ملاک نیست در حالی که از روایات دیگر این گونه

بر می آید، که مقیاس سفر باید منطبق با وسیله ای باشد که بیشتر در بین مردم، متعارف است.

شاید در جمع بین این روایت و روایات دیگر بتوان گفت: در روایت اخیر فرض نشده

که اختلاف وسیله سفر تاثیر در حکم دارد، آنچه مؤثر است اختلاف مسیر است. راه آبی با

مقیاس خود سنجیده می شود و راه خشکی با معیار خود؛ چون در حدیث فرض شده است

که راه خشکی به اندازه نصف روز زمان می برد؛ زیرا مسافت آن چهار فرسخ بوده است و

فرض بر آن بوده که در همان روز بر نمی گردد تا سفرش تمام روز را اشغال کند. بنابراین

حکم شده که روزه را بگیرد ولی در راه آبی فرض بر آن بود که سفر، یک روز او را اشغال

می کند؛ لذا حکم به افطار روزه شده است. در نتیجه امروزه، باید برای هر یک از سفرهای

زمینی با اتومبیل ها و سفرهای دریایی با کشتی ها و سفرهای هوایی با هواپیماها، مقیاس

ویژه ای در نظر بگیریم و در هر یک از این بخش ها آنچه را بیشتر در بین مردم رواج دارد

ملاک قرار دهیم.

۳۱. همان، ص ۴۶۷، باب ۳ از ابواب صلاة المسافر، ح ۱۳.

ولی انصاف آن است که روایت اخیر، یعنی مرسله مقنع به طور کلی از محل بحث خارج است؛ چون مفاد روایت این گونه است: «مسافری که همان روز بر می گردد علی رغم آن که رفت و برگشت او هشت فرسخ است، باید روزه بگیرد به این معنی که اگر مسافر در همان روزی که به سفر رفته است به وطن بازگردد، روزه او صحیح است. حال فرقی ندارد که این حکم را به اطلاق خود بگذاریم یا آن را مقید به ادله ای کنیم که می گوید باید قبل از زوال - ظهر - برگردد. اما مسافری که به وسیله کشتی از راه دریایی سفر می کند، سفر او به طول می انجامد و نمی تواند در همان روز به وطن برگردد، لذا باید افطار کند.

علاوه بر آن که مرسله مقنع از نظر سند حجیت ندارد. با قطع نظر از این روایت به سبب ضعف سند و دلالت آن، این سؤال باقی می ماند که آیا مقیاس، وسیله ای است که بیشتر در بین مردم رایج است و آن را با روشنایی روز می سنجیم، بدون آن که بین سفر زمینی یا دریایی یا هوایی فرقی باشد یا مقیاس، هشت فرسخ است و وسیله سفر هر چه باشد تفاوتی ندارد؟

حل تعارض

اکنون به طور موقت روایاتی را که طبق نظریه مقیاس زمانی، حاکم بر روایات مقیاس مکانی بوده، کنار می گذاریم و به روایات متعارضی که برخی از آنها با فرسخ، و برخی با روز و بعضی با هر دو تعیین مسافت کرده است، نگاه می کنیم. در جمع بین این روایات توجه به دو نکته لازم است:

نکته اول - روشن است که مقدار هشت فرسخ، اندازه واقعی دارد در حالی که سیر به مقدار روشنایی روز، اندازه واقعی ندارد؛ زیرا این سیر نسبت به وسیله های مختلف سفر و کوتاهی و بلندی روز، متفاوت است و حتی سفر متعارف در فصلی از فصول، اندازه آن را مشخص نمی کند. در آن زمان سفر با اسب همانند سفر با شتر متعارف بوده است، اما مقدار مسافتی را که با شتر طی می کردند به ویژه شتری که بار سنگین حمل می کرده، با مسافتی که با اسب طی می شده، بسیار متفاوت بوده است.

نکته دوم - تعیین فرسخ با علایم میل در غالب سفرها در آن زمان بسان امروز رایج نبوده

است. تنها مقیاسی که می توانستند در بیشتر سفرها با آن، فرسخ ها را معین کنند این بود که مدت زمان سیر را اماره ای برای اندازه گیری مسافت قرار دهند. باتوجه به این دو نکته می توان گفت: آنچه عرف از جمع بین این روایات می فهمد آن است که اندازه گیری سفر با فرسخ، اندازه گیری واقعی است که کم و زیاد ندارد. اما اندازه گیری با روشنایی روز، اندازه گیری اماره ای است برای آن که معلوم کنند چند فرسخ طی شده است. بر این اساس، ائمه (ع) روشنایی روز را نشانه ای قرار دادند تا با آن، مقدار سیر را مشخص کنند و این علامت را به لحاظ سیر قافله شترانی که برای حمل و نقل در آن زمان مرسوم بوده تعیین کرده اند. پس مقیاس قرار دادن سیر شتران بدان سبب نبود که سیر شتران برای مسافران شناخته شده تر از سیر اسب بود و بیشتر سفرها با شتر انجام می گرفت، بلکه بدین سبب بود که سیر شتران در عرف آن زمان مطابق با هشت فرسخ در روز بوده است.

شاهد این مدعا، آن است که پیش تر اشاره کردیم که روشنایی روز در روزهای بلند با روزهای کوتاه بسیار تفاوت دارد، ولی آنچه همواره ثابت بوده و به نسبت بلندی و کوتاهی روز تغییر نمی کرده، این بوده که ساربان ها، شتران را در هر روز دو منزل سیر می دادند که هر منزل یک برید نامیده می شد. در حالت عادی نه بیشتر از آن سیر می دادند و نه کمتر، چه در روزهای بلند، مثل روزهای تابستان و چه در روزهای کوتاه مثل روزهای زمستان؛ بر همین اساس، این مقدار مسافت را مسیر یک روز نامیدند. در روایاتی که تعبیری مانند مسیر روز یا روشنایی روز یا دو برید یا برید در برید آمده است، همه اشاره به چیزی دارند که نشان دهنده تحقق سیر هشت فرسخ است.

با این بیان، تفسیر روایت چهارم از روایاتی که حاکم فرض شده بود، روشن می شود و آن روایت محمد بن مسلم از امام باقر (ع) است:

سألته عن التقصیر قال: فی برید. قال: قلت: برید؟ قال: إینه إذا ذهب بریداً و رجع بریداً فقد شغل یومه؛ ۳۲

از امام در مورد کوتاه شدن نماز پرسیدم، فرمود: دریک برید. گفتم: دریک برید؟ فرمود: وقتی یک برید برود و برگردد یک روز او پر می شود.

این جمله، یعنی این که امام (ع) می خواهد علامتی تعیین کند تا معلوم شود یک برید رفت و یک برید برگشت، مساوی هشت فرسخ است؛ چون یک روز زمان می برد و در سیر یک روزه با شتر هشت فرسخ طی می شود.

اما خیر فضل بن شاذان، یعنی روایت دوم و سوم از روایاتی که حاکم و مفسر سایر روایات فرض شده بود و مقیاس زمانی را مقیاس حقیقی قرار داده بود نه مقیاس مکانی را:

أما وجب التقصير في ثمانية فراسخ لا أقل من ذلك ولا أكثر، لأن ثمانية فراسخ

مسيرة يوم للعامّة والقوافل والاتقال فوجب التقصير في مسيرة يوم؛

نماز در هشت فرسخ کوتاه است نه کمتر از آن و نه بیشتر؛ زیرا هشت فرسخ برای مردم و

قافله ها و برای حمل بارها مسیر یک روز است و در مسیر یک روز، نماز کوتاه است.

و در علل الشرایع و عیون اخبار الرضاع (ع) این عبارت اضافه شده است: «و قد یختلف المسیر،

فسیر البقر آنما هو أربعة فراسخ ...» امام (ع) در این روایت تأکید می کند که فقط در هشت فرسخ،

نماز کوتاه می شود، نه کمتر و نه بیشتر. این تأکید، تقریباً صریح در آن است که موضوع حقیقی کوتاه

شدن نماز، سیر هشت فرسخ است. بنابراین تعلیلی که در این مقام آمده است، برای بیان حکمت

است نه علتی که در حقیقت موضوع باشد و نبود حکم دایره مدار آن باشد.

روایاتی که در مورد علل احکام وارد شده است، به طور غالب صرفاً حکمت ها و

مصلحت ها را بیان می کنند و این موجب انتزاع موضوع جدیدی برای حکم و اسقاط

موضوع اول از موضوعیت نمی شود. علاوه بر آن که خبر مذکور از نظر سند اشکال دارد.

بنابراین هیچ حدیثی در مقام باقی نمی ماند که ادعا شود حاکم بر روایات مقیاس مکانی

است و مقیاس زمانی را اثبات می کند، مگر صحیحه عبدالله بن یحیی کاهلی:

أنه سمع الصادق (ع) يقول في التقصير في الصلاة: برید في برید أربعة وعشرون

میلاً، ثم قال: كان أبي (ع) يقول: إن التقصير لم يوضع على البغلة السفواء و

الدابة الناجية وإنما وضع على سیر القطار؛^{۳۳}

۳۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۳۶، ح ۱۳۶۸؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۵۲، باب ۱ از ابواب

از امام صادق شنیده شد که در باره کوتاه شدن نماز فرمود: یک برید در یک برید، یعنی بیست و چهار میل. سپس فرمود: پدرم می فرمود: در کوتاه شدن نماز، قاطر تندرو یا حیوان سریع السیر ملاک نیست، بلکه ملاک حرکت قطار شتران است.

در واقع این روایت هیچ اشاره ای - نه قریب و نه بعید - به واحد زمانی ندارد، بلکه به طور روشن دلالت می کند که مقیاس سفر، برید در برید است.

برید یعنی یک منزل که مسافری پس از طی مسیر برای استراحت و بارانداز، در وسط روز انتخاب می کردند و در سفر یک روز، دو برید طی می کردند. بنابراین، این سؤال پیش می آید که مقدار مسافت برید، بستگی به آن دارد که با چه وسیله ای سیر کنند. اگر با قاطر تندرو یا حیوان سریع السیر حرکت کنند مقدار آن نسبت به زمانی که با قافله شتران با برید سیر کنند، متفاوت خواهد بود. بنابراین جای سؤال بود که مقصود، کدام برید است و چرا برید به بیست و چهار میل تفسیر شده است در حالی که بریدها متفاوت است؟

امام (ع) جواب دادند که پدرم فرمود: «ملاک در کوتاه شدن نماز، قاطر تندرو یا حیوان سریع السیر نیست، بلکه ملاک سیر قطار یعنی همان قافله شترانی است که حمل بار می کنند». روشن است مقدار مسافتی را که شتران حامل بار در این زمان طی می کنند فرقی با زمان گذشته ندارد. تنها فرق در این است که در این زمان، دیگر از شتر برای سیر استفاده نمی شود نه آن که مقدار سیر شتران با گذشته تفاوت کرده باشد. در این روایت، قبل از جمله «قاطر تندرو و یا حیوان سریع السیر» هیچ اشاره ای به مقیاس زمانی نشده است، تا عبارت را این گونه معنی کنیم که مقیاس زمانی، باید با سیر متعارف سنجیده شود. آنچه که در روایت وارد شده صرفاً، برید و امیال است، پس عبارت ذیل را، باید اشاره به چگونگی تطبیق برید بر امیال دانست.

گویا استدلال کنندگان به این روایت گمان کرده اند برید همانند فرسخ و میل، نام مقدار معینی از مسافت است، در حالی که این گونه نیست. برید به معنای منزل های سفری است که در آن زمان مرسوم بوده است و منظور از آنچه در روایات آمده و برید را به چهار فرسخ تفسیر کرده سیر شتران است که مساوی با چهار فرسخ می باشد.

شاید به همین سبب در برخی از روایات به جای دو برید، سه برید ذکر شده است، گویا این روایات ناظر به سیری است که کندتر از سیر شتران است.